

# در جست‌وجوی جهانی بدون جنگ، بدون خشونت و بدون فقر

فریده خردمند



Bert Monterona – women for justice and peace -2015

این جستار به یاد و خاطره‌ی دکتر هما دارابی، پزشک کودکان و روان‌پزشک که در اعتراض به حجاب اجباری در دوم اسفند ماه ۱۳۷۲ در میدان تجریش تهران، خود را به آتش کشید و نیز به یاد و خاطره‌ی دکتر مریم میرزاخانی، نابغه‌ی ریاضی که در عمر بسیار کوتاهش، برای ایران افتخار آفرید، تقدیم می‌شود.

ف.خ

«خواهر شکسپیر بسیار با استعداد بود اما به مدرسه گذاشته نشد، ناتوان از آموختن دستور زبان و منطق، مجبور به ازدواج زودهنگام شد. از دواجی که برایش نفرت‌انگیز بود و به همین دلیل پدرش به شدت او را گتک می‌زد. هنوز هفده‌سالش نبود که به لندن سفر کرد تا هنرپیشه شود، اما حمله شد و ناچار خودکشی کرد. فکر می‌کنم کم‌وبیش این داستان زندگی زنی در روزگار شکسپیر است اگر او نیز نبوغی هم چون شکسپیر داشت.»

ویرجینیا وولف، اتاقی از آن خود ۱۹۲۹

در طول تاریخ، گاهی چهره‌های مهم و تأثیرگذار و دست‌آوردهای آنان که با تلاش‌های مستمر به دست آمده‌اند، به دلایل گوناگون از جمله جنگ یا از میان می‌روند، یا به دست فراموشی سپرده و یا حذف می‌شوند، تا آن‌گاه که رُخ‌دادی دوباره نام و تلاش‌های آنان را کشف و در اذهان زنده کند. بسیاری از این چهره‌های فراموش شده زنان نویسنده‌ای هستند که منتقدِ زمانه‌ی خود بوده‌اند. در دنیای نویسندگی، زنان با وجود مشکلات و موانع فراوان، هرگز برای رسیدن به دنیایی بهتر برای همگان، دست از تلاش نکشیده‌اند. برای مثال، سُفیا گوالوسکی ۱۸۵۰-۱۸۹۱ نخستین زن در جهان که نه‌تنها دکترای علوم در ریاضیات به دست آورد، بلکه در آفرینش‌های ادبی، شعر، رمان، نمایش‌نامه‌نویسی هم بسیار توانا و مستعد بود، در بخشی از خاطراتش می‌نویسد:

«احساس می‌کنم که برای خدمت به حقیقت در علم به وجود آمده‌ام. و نیز برای گشودن ر‌ه‌های جدید برای زنان. بسیار شادم از این که زن به دنیا آمده‌ام. زیرا که این برایم موقعیتی را فراهم می‌کند تا هم‌زمان برای حقیقت و عدالت کار کنم. اما پشتکارداشتن در این راه همیشه آسان نیست.»<sup>۲</sup> یا آنا شارلُت لِفلِر (۱۸۴۹-۱۸۹۲)،<sup>۳</sup>

در جست‌وجوی جهانی بدون جنگ، بدون خشونت و بدون فقر

شاعر، داستان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس سوئدی و یکی از دوستان صمیمی او نمونه‌ای از همین زنان است.

اغلب این زنان نویسنده در امر سیاسی و جنبش‌های اجتماعی نیز بسیار فعال بوده‌اند. اما وقوع جنگ‌ها نیز، پیوسته وقفه‌هایی طولانی در روند تحصیل و آموزش، پیشرفت‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، ادبی و ورزشی زنان به وجود آورده‌اند.

در جنگ‌های جهانی، زنان نویسنده‌ای چون، کترین منسفیلد، شارلوت پرکینز گیلمن و ویرجینیا وولف با حساسیتی زنانه و نگاهی انتقادی به جامعه‌ی پیرامون خود، چه از حاشیه و یا در متن، به فعالیت‌های ادبی و اجتماعی خود ادامه دادند. این نوشته، به معرفی گوشه‌هایی از زندگی شخصی، تلاش‌های اجتماعی و ویژگی برخی از آثار این سه نویسنده‌ی زن در آغاز قرن بیستم می‌پردازد.

## شارلوت پرکینز گیلمن

(۱۹۳۵-۱۸۶۰)

شارلت پرکینز گیلمن، بی‌تردید یکی از چهره‌های تاریخی زنان مبارز است که نه‌تنها در زمینه‌ی ادبیات داستانی، شعر، مقاله، پژوهش و جستارنویسی، بلکه در عرصه‌ی جنبش‌های فمینیستی اوایل قرن بیستم، بسیار اثرگذار بود؛ گیلمن پس از دهه‌ها فراموش شدن، با جنبش فمینیستی دهه‌ی ۱۹۶۰ بار دیگر شناخته شد. او در آمریکا به دنیا آمد. کودک بود که پدرش همسر و فرزندان را ترک کرد و مادرش با مشکلات مالی فراوان روبه‌رو شد. در نوجوانی فلسفه‌ی خود را در زندگی‌نامه‌اش این‌گونه بیان می‌کند: «نخستین وظیفه‌ی ما به‌عنوان انسان آن است که... جایگاه‌ها و کارهای ویژه‌ی را که می‌بایست در دنیا انجام دهیم پیدا کنیم و وقتی یافتیم، به هر قیمت آن‌ها را انجام دهیم.»<sup>۴</sup> او خود سرانجام چنین کرد. پس از پایان دادن به ده سال ازدواج عذاب‌آور با هنرمند آمریکایی چارلز والتر استنسن و پس از تولد دخترش کترین که هم‌زمان بود با افسردگی او، آغاز به کار کرد و به‌عنوان متفکر و رهبر جنبش زنان در آغاز قرن وارد فعالیت شد. او به اصلاحات اجتماعی باور داشت و به‌عنوان نظریه‌پرداز

تأثیرگذار اجتماعی و سخن‌گوی استقلال اقتصادی زنان، پُرکارترین نویسنده به شمار می‌رفت. گیلمن در سال ۱۸۹۳ اولین مجموعه‌ی شعرش را به نام «در این دنیای ما»،<sup>۵</sup> منتشر کرد و در سال ۱۸۹۸ اثر مهم او «زنان و اقتصاد»<sup>۶</sup> به چاپ رسید که بی‌درنگ توجه بین‌المللی را به خود جلب کرد و این کتاب به سرعت به هفت زبان ترجمه شد. از آن پس چندین کتاب غیر داستانی منتشر کرد از جمله: کودکان نگران<sup>۷</sup> (۱۹۰۰)، خانه: کار و تأثیر آن<sup>۸</sup> (۱۹۰۳)، کار انسان<sup>۹</sup> (۱۹۰۴)، دنیای ساخته شده به دست مردان؛ یا فرهنگِ مردمدار<sup>۱۰</sup> (۱۹۱۱)، مذهبِ مرد و مذهبِ زن<sup>۱۱</sup> (۱۹۲۳). هم‌چنین ۱۲۵ داستان کوتاه و صدها شعر او در مجله‌ی «فوررانر»<sup>۱۲</sup> بین سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۶ به چاپ رسید. به گفته‌ی دنیس د. نایت، شارلُت پرکینز گیلمن، ترجیح می‌داد که یک سوسیالیست شناخته شود تا یک فمینیست، اما به جنبش‌های زنان بهترین یاری‌ها را رساند. پرسش مورد توجه گیلمن آن بود که چه‌گونه زنان می‌توانند در جامعه‌ی صنعتی به برابری کامل حقوق دست یابند. برای او دست‌یافتن به حق رأی زنان کافی نبود در حالی که برای اغلب زنان آمریکا این دست آورد نقطه‌ی پایان بود.<sup>۱۳</sup> او به‌عنوان سخنران در دنیا به شهرت رسید. اما در ده سال پایان عمر، به دلیل فعالیت‌های سوسیالیستی از محبوبیتش کاسته شد. چنان که در زندگی‌نامه‌اش می‌نویسد: پس از سال‌ها کار برای پیشرفت زنان... و کارهای بسیار قوی و نو برای نسل‌های آینده، دیگر هیچ‌کس خواهان سخن رانی او نیست.<sup>۱۴</sup> در سال ۱۹۳۲ پس از آن گیلمن پی برد که سرطان پیش‌رفته‌ی سینه دارد، به انتخاب خود به زندگی‌اش خاتمه داد. در ادامه به نمونه‌ای از آثار او اشاره می‌کنم.

### کاغذدیواری‌های زرد

داستان کوتاه از زمان تولد تا امروز شکل‌های گوناگونی پیدا کرده و به چیزهای گوناگونی هم تشبیه و یا تعریف شده است. از جمله: پنجره‌ای که ناگهان بر لحظاتی از زندگی گشوده و بسته می‌شود؛ ابری با طبیعتی نامعین و نامحدود که در آسمان پیدا و ناپیدا می‌شود؛ یا آن که داستان کوتاه نوعی آگاهی شدید و گزنده از تنهایی انسان است... برای شارلُت پرکینز گیلمن، داستان کوتاه همچون وسیله‌ای برای انتقال عقاید

و محدود و محبوس کردن تجربه‌ی یک روز زندگی در قابِ روزمره‌گی‌ها و نشان‌دادن آن به‌منظور تغییر جامعه است.<sup>15</sup>

داستان کوتاه «کاغذدیواری‌های زرد» که نخستین بار در سال ۱۸۹۲ در مجله‌ی «نیو انگلند» به چاپ رسید، بر اساس تجربه‌ی واقعی خود اوست. این داستان را می‌توان هم نمونه‌ای از شاهکارهای داستان کوتاه نویسی جهان و هم نشانگر گوشه‌ای از تجربه‌ی زنانه در بُن‌بست ازدواج دانست.

خلاصه‌ی داستان: زمانی که گیلمن از ازدواج نامطلوب اولش صاحب فرزند و دچار بحران افسردگی می‌شود بنا به توصیه‌ی پزشک معالجش، هفته‌ها و ماه‌ها استراحت می‌کند و از نوشتن، نقاشی کردن و زندگی اجتماعی که کارهای محبوبش بود، دست می‌کشد ولی روزبه‌روز حالش وخیم‌تر می‌شود. تا آن که خود، درمانگر خود می‌شود و برخلاف نظر پزشک معالجش قلم به دست می‌گیرد، داستانِ کاغذدیواری‌های زرد را می‌نویسد و آن را برای پزشک معالجش می‌فرستد.

داستان، روایتی صمیمانه از زبانِ راوی (اول شخص مفرد) زنی است که برای درمان افسردگی به مدت سه ماه با همسرش «جان» و خواهر او «جینی» در عمارت بزرگ مستعمره‌ی موروثی اجاره‌ای زندگی می‌کنند. عمارتی کهنه که راوی آن را به خانه‌ی ارواح<sup>۱۶</sup> تشبیه می‌کند؛ راوی که تا پایان داستان بی‌نام می‌ماند، با توصیف وضعیت و محدودیتی که در آن محبوس است و انتظاراتی طبیعی که به‌عمد برآورده نمی‌شود، توجه و هم‌دلی خواننده را به‌سرعت جلب می‌کند. داستان با کنجکاوای راوی درباره‌ی موروثی بودنِ مستعمره و قیمت ارزان عمارت و خالی بودنش برای سال‌ها آغاز می‌شود. در طول داستان خواننده صدا و لحن طنزآمیز زن در فقدان درک مشترک و تضادهای آشکار با همسرش را می‌شنود. «جان» نظرات و احساسات او را به ریشخند می‌گیرد، چیزی که راوی عقیده دارد هر زنی در ازدواج انتظارش را دارد. حتی برادرش که او نیز پزشک است عقیده دارد که خواهرش می‌بایست از به‌دست گرفتن قلم و قلم‌مو بپرهیزد تا آن که بهبودی کامل پیدا کند. ولی راوی کاملاً مخالف است و باور دارد که انجام دادن کارهای اجتماعی و دوستانه و رابطه‌های متقابل اجتماعی در بهبودی‌اش مؤثرترند تا در انزوا و تنها ماندن. او با لحن و زبان طنز غیبت‌های پی‌درپی و چند روزی شوهرش

را کارها و گرفتاری‌های جدی او عنوان می‌کند. یکی از قلله‌های طنز داستان زمانی‌ست که شخصیت زن داستان در شبی مهتابی احساسش را درباره‌ی عجیب بودن خانه‌ی ارواح‌مانند، و اتاقش ابراز می‌کند و بلافاصله همسرش دلیل آن را هوای سرد اتاق می‌داند و پنجره را می‌بندد.

راوی داستان، اتاقش را دوست ندارد و ترجیح می‌دهد در اتاق طبقه‌ی پایین باشد که دورتادور پنجره‌ی آن با گل‌های سُرخ احاطه شده است با پرده‌ی مُدل قدیمی اما «جان» بهانه می‌آورد و نمی‌خواهد در این‌باره چیزی بشنود چراکه در اتاق طبقه‌ی پایین جایی برای دو تختخواب نیست. با وجود تمامی مخالفت‌ها، راوی قادران همسرش است که از او مراقبت می‌کند و داروهایش را سر ساعت به او می‌دهد. فقدان آشکار درک همسر از دل‌بسته‌گی‌ها و نیازهای زن، حتی در نگهداری از طفلش، آرام‌آرام این فکر را در خواننده بیدار می‌کند که درواقع «جان» و «جنی» در پی درمان او نیستند. انگار راوی نیز همین احساس را دارد زیرا هر بار که صدای پای آن‌ها را می‌شنود که از پله‌ها بالا می‌آیند، نوشته‌اش را که حالش را روزبه‌روز بهتر می‌کند، پنهان می‌کند. راوی جزئیات اتاق ناخوشایند و اشیایی که او را محاصره کرده‌اند چنین شرح می‌دهد: پنجره‌ای مسدود شده، دیواری پر از لکه‌های کثیف و سوراخ‌سوراخ، کاغذ دیواری پاره‌پاره شده که قسمتی از آن شبیه به گردنی آویزان است؛ گردی چشم‌هایی که در تضادند و به شکل عجیبی به او خیره شده‌اند و نگاه غریب آن‌ها؛ اما قسمتی از طرح کاغذ دیواری که شبیه چهره‌ی یک زن است به‌آرامی روی دیوار و زمین می‌خزد و با راوی رابطه برقرار می‌کند تا جایی که، هم‌ذات‌پنداری راوی با زن خزنده به اوج می‌رسد و شب‌ها با همکاری او کاغذدیواری زشت را از دیوار جدا می‌کند. در آخرین روز اقامت‌شان، وقتی همسرش به خانه بازمی‌گردد و با در قفل‌شده روبه‌رو می‌شود، می‌خواهد به زور مُتوسل شود و با چکش در را بشکند، ولی راوی به او می‌گوید که کلید را از پنجره بیرون انداخته است. «جان» کلید را پیدا می‌کند و وقتی وارد اتاق می‌شود و همین که دیوار را تُهی از کاغذدیواری می‌بیند، غش می‌کند. گویی اتاق زشت و ناخوشایندی که راوی در آن محبوس است، همان ازدواجی‌ست که در آن گرفتار آمده و سرانجام به دست خود از آن رهایی می‌یابد.

در جست‌وجوی جهانی بدون جنگ، بدون خشونت و بدون فقر

«از پرنده‌ی کوچک پرسیدند: چرا آوازه‌ایت چنین کوتاه‌اند؟  
پاسخ داد: آوازه‌ای زیادی برای خواندن دارم که باید همه‌ی آن‌ها را بخوانم.»  
آنتوان چخوف<sup>۱۷</sup>

## کترین منسفیلد

(۱۸۸۸-۱۹۲۳)

کترین منسفیلد، در طول عمر کوتاهش سه مجموعه داستان به چاپ رساند؛ در ۱۹۱۱ نخستین مجموعه داستانش را به نام «بازنشستگی آلمانی»<sup>۱۸</sup> در ۱۹۲۱ «خوشبختی»<sup>۱۹</sup> دومین مجموعه داستان و در ۱۹۲۲ «گاردن پارتی»<sup>۲۰</sup> را منتشر کرد. دو مجموعه داستان «آشیانه‌ی کبوتر و داستان‌های دیگر»<sup>۲۱</sup> و «چیزی کودکانه و داستان‌های دیگر»<sup>۲۲</sup> پس از درگذشتش به وسیله‌ی همسر دومی‌اش جان میدلتون موری<sup>۲۳</sup> که ناشر آثارش هم بود گردآوری و منتشر شد. منسفیلد، نامه‌ها، یادداشت‌ها و نقدهای ادبی و هنری بسیاری نوشت. او در داستان‌نویسی، نثر منحصر به فردی دارد. ساده و موجز می‌نویسد و داستان‌هایش با تصویرهایی شاعرانه درآمیخته‌اند. تقریباً در همه‌ی داستان‌ها از پرنده، درخت، گل، برگ و تصویرهایی از دریا و ساحل به‌طور طبیعی بهره می‌گیرد. آغاز برخی از داستان‌ها، قلب ماجراست. گویی خواننده همه‌ی ماجرا را از پیش می‌داند. در کنار نوشتن داستان‌های درخشان، وی مانند ویرجینیا وولف چند سال از عمرش را صرف نوشتن نقد ادبی کرد که تا سال‌ها ناشناخته ماند و بخشی از آن‌ها تا سال‌ها منتشر نشد. کِلر هِنسن<sup>۲۴</sup> بخشی از نامه‌ها و نقدهای ادبی او را در مجموعه‌ای گردآوری کرده است.<sup>۲۵</sup>

«زنی که به نوشتن همان قدر آرج می‌نهد که من، به گمانم به قدر کافی کمیاب است تا عجیب‌ترین حس از پژواک فکرش در ثانیه‌ای هنگامی که سخن می‌گویم، به من بازگردد.»<sup>۲۶</sup>

ویرجینیا وولف - خاطرات روزانه ۲۵ اوت ۱۹۲۰

این گفته‌ی ویرجینیا وولف درباره‌ی دوست و معاصر ادبی و خانوادگی‌اش کترین منسفیلد است. شاید کم‌تر کسی از آشنایی، معاشرت و دوستی وولف و همسرش با او آگاه بوده باشد. منسفیلد حتا گاهی ویرجینیا وولف و همسرش لئونارد وولف را به شوخی Wolves می‌نامید.

کترین منسفیلد در سال ۱۸۸۸ در ولینگتون نیوزلند به دنیا آمد. در سال ۱۹۰۳ به لندن سفر کرد و برای تحصیل وارد کویین کالج<sup>۲۷</sup> شد. ازدواج اول او تنها یک روز دوام آورد. نخستین داستانش «خستگی روزابل»<sup>۲۸</sup> را در نوزده سالگی نوشت. در سال ۱۹۰۶ به ولینگتون بازگشت و آغاز به نوشتن کرد و در سال ۱۹۰۸ به لندن بازگشت. ویرجینیا وولف در ۳۰ نوامبر ۱۹۱۸ در دفتر خاطراتش می‌نویسد: «چه سرنوشت عجیبی است همیشه تماشاگر جمع بودن، نه هرگز بخشی از آن. این تا حدّی دلیلی است که چرا من به‌طور هفتگی برای دیدن ک. ام (کترین منسفیلد) به بالای همپستید می‌روم؛ زیرا به‌هرروی، ما در آن‌جا، جمعی از دو نفر را به وجود می‌آوریم.»<sup>۲۹</sup>

منسفیلد از ماه آوریل ۱۹۱۹ تا دسامبر ۱۹۲۰ به‌طور هفتگی در مجله‌ی «آنتائوم»<sup>۳۰</sup> نقد ادبی می‌نوشت. او به هنر به‌طور جدّی عقیده داشت و آن را امری سطحی برای وقت‌گذرانی نمی‌دانست. از این‌رو باصراحت نظرات انتقادی خود را در آن مجله می‌نوشت و اگر رمانی برای نقد می‌خواند که تجربه‌ای از جنگ و کشته شدن جوانان و زنان را توصیف می‌کرد، از ابراز تأسف و از محکوم کردن جنگ دریغ نمی‌کرد.

## نامه‌ها

بخش بسیار زیادی از نوشته‌های مکتوب کترین منسفیلد، نامه‌های او به همسرش است. طبق نظر کِلر هِنسن، برخی از نامه‌ها نشانگر درک نشدن منسفیلد از سوی همسرش چه به لحاظ شخصی و چه به لحاظ نویسندگی‌ست. او در ابتدای آشنایی‌شان در نامه‌ای به همسرش می‌نویسد: «بله، من متنفرم، متنفرم، متنفرم از انجام کارهایی که تو از من انتظار داری مثل همه‌ی مردان از زنان‌شان. من فقط می‌توانم نقش یک



در جست‌وجوی جهانی بدون جنگ، بدون خشونت و بدون فقر

كُلِّفَتْ رَا دِرَوَاقِعَ بَسِيَارِ نَاجُورِ اِيْفَا كَنِم. اِيْنِهَا بَرَايِ زَنَانِي مَنَاسِبِ اسْتِ كِه كَارِ دِيْغَرِي بَرَايِ اَنجَام دَاَدِن نَدَارِنْد.» (تابستان ۱۹۱۳)

هشت سال بعد، در باره‌ی نپذیرفتن همسرش از این که برای او هم، چون ویرجینیا وولف، نقش زن و نویسنده بودن به دلیل بیماری - ناسازگاری نیست، می‌نویسد: «تنها مشکل من "جان" است. باید مرا طلاق دهد، با موجودی واقعاً جوان و سالم ازدواج کند، صاحب فرزندان شود و از من بخواهد تا مادرخوانده‌ی آن‌ها شوم. من هرگز نباید زن کسی باشم؛ احساس می‌کنم متقلّبم وقتی که او باور دارد که من روزی مثل آن‌ها می‌شوم.»<sup>31</sup>

بی‌سبب نیست که تقریباً دو ماه پس از درگذشت منسفیلد، وولف می‌نویسد: آیا ک. م. کاری کرده بود که سزاوار چنین زندگی نازلی پس از مرگ شود؟

## ویرجینیا وولف

۱۸۸۲-۱۹۴۱

«بنابراین، اگر شما اصرار می‌ورزید که برای حفاظت از من و یا میهن "ما" می‌جنگید، بگذارید به‌طور جدی و قانع‌کننده‌ای بین ما فهمیده شود که شما برای رضایت غریزه‌ی خودتان می‌جنگید که من نمی‌توانم با شما شریک باشم؛ می‌جنگید برای تشویق به منافی که با شما شریک نیستم و احتمالاً هم نخواهم بود و نه برای رضایت من یا محافظت از من و یا میهنم. برای این که در واقع، این غریبه می‌گوید: همچون یک زن، میهنی ندارم؛ همچون یک زن، نمی‌خواهم میهنی داشته باشم. همچون یک زن، تمامی دنیا میهن من است.»

ویرجینیا وولف، سه گینی<sup>32</sup>

نقد‌های ادبی، مقاله‌ها، یادداشت‌ها و جستارهای ویرجینیا وولف نیز مانند کترین منسفیلد، حتی تا امروز نیز کاملاً شناخته شده و به‌آسانی در دسترس نیست. ویرجینیا وولف، چهره‌ی ادبی-فمینیستی قرن بیستم، انتقادهایی بسیار جدی و ژرفی به جامعه‌ی پدرسالار و مردمحور در نادیده گرفتن نقش و برابری‌های اقتصادی، اجتماعی و تحصیلی

زنان داشت. به نظر ملبا کادی - کین جستارهای او پروژه‌های نظری و اجتماعی‌ست که به تمرین در خواندن نوشته‌های خوب و تعلیم و تربیت عموم برای دست‌یافتن به دموکراسی اجتماعی تأکید می‌کند.<sup>۳۳</sup> او قوانین پدر-مردسالار را به‌طور مستقیم در مقاله‌ها و جستارهای ادبی و در رمان‌ها و داستان‌هایش به چالش می‌کشد. یکی از دغدغه‌های اساسی وولف چگونگی فراهم کردن شرایط تحصیلی مناسب و برابر برای زنان و یافتن راهی برای استقلال مالی آنان بود. او در نامه‌ی انتقادی‌اش در کتاب «سه گینی»<sup>۳۴</sup> آشکارا سیستم تحصیلات عالی مردمحور نابرابر برای زنان و کار نابرابر و مرد-پدرسالارانه‌ی جامعه را زیر سؤال می‌برد. فقدان امکانات مالی زنان در امر تحصیل و مسأله‌ی جنگ و چرایی دفاع مردانه از آن به بهانه‌ی حفاظت از فرهنگ و آزادی فکری مردسالار از دیگر موضوعاتی‌ست که زیر ذره‌بین ویرجینیا وولف گذاشته و پی‌درپی چرایی آن‌ها پرسیده می‌شوند.

«خواننده‌ی معمولی»<sup>۳۵</sup> و «فلاش»<sup>۳۶</sup> از دیگر آثار اوست. رمان «به‌سوی فانوس دریایی»<sup>۳۷</sup> را می‌بایست بزرگ‌ترین دست‌آورد ادبی زنان مدرن و فمینیست نویسنده در آغاز قرن بیستم محسوب کرد. هرچند که نقدهایی بر آن شده مبنی بر آن که رمانی‌ست که هیچ اتفاقی در آن رخ نمی‌دهد. اما باید پرسید آیا غیبت چند شخصیت داستانی به‌دلیل کشته‌شدن در جنگ جهانی اول در بخش دوم رمان، حادثه نیست؟ «اتاق جیکوب»<sup>۳۸</sup> سومین رمان اوست که به کشته شدن مرد جوانی در جنگ می‌پردازد. مجموعه یادداشت‌های «دوشنبه یا سه‌شنبه»<sup>۳۹</sup> (در سال ۱۹۲۱ منتشر شد) دیگر اثر اوست. وولف در ۱۹۳۷ رمان «سال‌ها»<sup>۴۰</sup> را منتشر می‌کند که به موضوعات طبقه‌ی متوسط انگلیس بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۳۰ می‌پردازد. «اتاقی از آن خود»<sup>۴۱</sup> (۱۹۲۹) از اثرگذارترین و درخشان‌ترین جستارهای اوست که به اهمیت آزادی زنان در بیان تجربه‌های زنانه‌شان در نویسندگی و رابطه‌ی بین جنسیت، پول و آفرینش آثار درخشان ادبی می‌پردازد. وی می‌پرسد چرا از ابتدا پیوسته زنان فقیرتر از مردان بوده‌اند؟ چرا مردان در بطن جامعه حضور دارند و زنان در حاشیه؟ وی می‌پرسد آیا این خود دلیلی بر تعداد اندک شاهکارهای ادبی و هنری زنان در طول قرن‌ها نیست؟ و پرسش‌های اساسی دیگر. پرسش‌هایی که تا امروز همچنان بی‌پاسخ مانده‌اند. آخرین رمان ویرجینیا

در جست‌وجوی جهانی بدون جنگ، بدون خشونت و بدون فقر

وولف، «در میان نقش‌ها»<sup>۴۲</sup> (۱۹۴۱) پس از درگذشت او توسط همسرش لئونارد وولف منتشر می‌شود.

## در جست‌وجوی بی پایان

چنان‌که گفته شد، سه نویسنده‌ی زن در آغاز قرن بیستم، شارلت پُرکینز گیلمن، کترین منسفیلد و ویرجینیا وولف، هم متأثر از فجایع جنگ بودند و هم منتقد جدی آن. از دیدگاه ویرجینیا وولف که به تعلیم‌وتربیت عموم مردم برای دست یافتن به زندگی شایسته و انسانی برای همگان و به‌ویژه برای زنان باور داشت، بی‌تردید، جنگ فاجعه‌ای مضاعف بود زیرا که در فقدان صلح پایدار، دستیابی به آموزش، تعلیم و تربیت و تحصیل دانش برای عموم مردم به‌خصوص زنان، امری محال است. کترین منسفیلد، برادرش را در جنگ جهانی اول از دست داد و خود مدت کوتاهی بعد، بر اثر بیماری رایج در دوران جنگ، مشکل مالی، نداشتن تغذیه‌ی مناسب، کمبود نور خورشید و زندگی در محله‌ای شلوغ، در انگلیس بیمار و در سی‌وچهار سالگی در فرانسه درگذشت. شارلت پُرکینز گیلمن، به اصلاح و تغییر جامعه، آزادی و حقوق برابر برای زنان باور داشت که هیچ‌یک در دوران جنگ حاصل نمی‌شود. گویی از آن روزگار تا امروز، نابرابری‌های پایان‌ناپذیر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، شغلی و تحصیلی این سو و آن سوی دنیا در چرخش است. در حقیقت، این ادامه‌ی بی‌وقفه‌ی جنگ‌ها و فجایع انسانی در سراسر جهان به‌ویژه در جنوب جهانی، پرسشی اساسی را در ذهن و وجدان‌های بیدار برمی‌انگیزد: آیا سرانجام کره‌ی زمین، روی صلح پایدار و برابری را خواهد دید؟

هوارد زین<sup>۴۳</sup> (۲۰۱۰-۱۹۲۲) که خود در جنگ جهانی دوم خلبان بود، در یادآوری خاطراتش اذعان می‌کند که پس از اعلام پایان جنگ، آخرین بُمب باقی‌مانده را از محفظه‌ی هواپیما به سوی زمین می‌اندازد و فقط چند روز پس از پایان جنگ با رفتن به آن محل و دیدن ویرانی‌ها از نزدیک، انسان‌های زخمی و کشته‌شده، به فاجعه‌ی جنگ پی می‌برد؛ او از آن پس بقیه‌ی عمر را به کُنشگری علیه جنگ می‌پردازد. بنا به گفته‌ی او: «هر جنگ، جنگی علیه کودکان است.» در حقیقت باید گفت: هر جنگ،

جنگی علیه کودکان و علیه زنان است. هر جنگ، تمامی دست‌آوردهای اجتماعی، فرهنگی، علمی و ادبی بشر را نابود می‌کند. اگر یک قرن پیش یکی از پرسش‌ها و دل‌نگرانی‌های ویرجینیا وولف، چگونگی پیش‌گیری از رخ دادن جنگی دیگر بود، پرسش امروز خواهان او در آغاز قرن بیست‌ویکم، چگونگی پایان دادن به جنگ‌های بی‌شمار، ویرانی‌ها و فاجعه‌ی نسل‌کشی‌ست. قرن‌هاست که زنان در جست‌وجویی پی‌گیر برای رسیدن به جهانی بدون جنگ، خشونت و فقر در تلاشند.

## پی‌نوشت‌ها

---

<sup>1</sup>Sophia Kovalovsky

نخستین زنی که دکترا در علوم ریاضی را کسب کرد. وی به شاهزاده خانم علم شهرت یافت

<sup>2</sup> Little Sparrow: A portrait of Sophia Kovalovsky

<sup>3</sup>Anna Charlotte Leffler

هم عصر ایبسن و منتقد نمایشنامه‌ی خانه‌ی عروسک *A Doll House* بود زیرا که نورا را بدون آمادگی در جامعه رها می‌کند؛ او داستان کوتاهی نیز بر این اساس به نام *Doubts*, (1882) می‌نویسد.

<sup>4</sup> D. Knight, *The Later Poetry of Charlotte Perkins Gilman* 21

<sup>5</sup> *In This Our World*

<sup>6</sup> *Women and Economy*

<sup>7</sup> *Concerning Children*

<sup>8</sup> *The Home: work and its Influence*

<sup>9</sup> *Human Work*

<sup>10</sup> *The Man Made World; Or Our Androcentric Culture*

<sup>11</sup> *His Religion, Her Religion*

<sup>12</sup> *Forerunner*

<sup>13</sup> N. Degler, *WOMEN AND ECONOMICS, A Study of the Economic Relation Between Men and Women as a Factor in Social Evolution*

<sup>14</sup> Knight, *The Later Poetry of Charlotte Perkins Gilman* 2

<sup>15</sup> GILMAN, *The Yellow Wall Paper and Other Stories*

<sup>16</sup> *haunted house*

<sup>17</sup> Mansfield, *Something Childish and Other Stories*

<sup>18</sup> *In a German Pension*

<sup>19</sup> *Bliss*

<sup>20</sup> *The Garden Party*

<sup>21</sup> *The Dove's Nest and Other Stories*

- <sup>22</sup> *Something Childish and Other Stories*  
<sup>23</sup> John Middleton Murry  
<sup>24</sup> Clair Hanson  
<sup>25</sup> Hanson, *The Critical Writing of KATHERINE MANSFIELD*  
<sup>26</sup> SMITH, Angela *KATHERINE MANSFIELD & VIRGINIA WOOLF A PUBLIC OF TWO*  
Ibid, 63  
<sup>27</sup> Queen Collage  
<sup>28</sup> The Tiredness of Rosabel  
<sup>29</sup> Smith, Angela, Katherine Mansfields & Virginia Woolf, *A Public of Two*, p. 63.  
<sup>30</sup> *Athenaeum*  
<sup>31</sup> Hanson, *THE Critical Writings of KATHERINE MANSFIELD*, 3  
<sup>32</sup> Woolf, *Guineas*, 197  
<sup>33</sup> 2, Cuddy–Keane *Virginia Woolf, the Intellectual, & the Public Sphere*  
<sup>34</sup> Woolf, *Three Guineas*. broadview press Canada, 2012  
<sup>35</sup> *The Common Reader (First Series), The Common Reader (Second Series)*  
<sup>36</sup> Flush  
<sup>37</sup> *To the Lighthouse*  
<sup>38</sup> *Jacob's Room*  
<sup>39</sup> *Monday or Tuesday*  
<sup>40</sup> *The Years*  
<sup>41</sup> *A Room of One's Own*  
<sup>42</sup> *Between the Acts*  
<sup>43</sup> Howard Zinn

#### کتاب‌شناسی

Caranfa, Angelo. *Camille Claudel: A sculpture of Interior Solitude*. London: Bucknell University Press, 1999

Cuddy-Keane Melba. *Virginia Woolf, the Intellectual & the Public Sphere* Cambridge University Press, UK 2003

Gilman Charlotte Perkins. *"The Yellow Wall Paper" and Other Stories* Dover Publications, New York 1997

Gilman Charlotte Perkins. *WOMEN AND ECONOMICS, A study of the Economic Relation Between Men and Women as a Factor in Social Evolution*, Edited by Carl N. Degler Torchbook, 1966

---

Hanson Clare. *The Critical Writings of KATHERINE MANSFIELD*, Macmillan Press, 1987

Kelly E. Katherine. *Modern Drama By Women 1880s- 1930s an international anthology*, New York,1993

Kennedy H. Don, *Little Sparrow: A Portrait of Sophia Kovalovsky* Ohio University Press 1983

Knight D. Denise. *The Later Poetry of Charlotte Perkins Gilman* University of Delaware Press,1996

Koblitz, Ann Hibner. *A Convergence of Lives, Sofia Kovalevskia: Scientist, Writer, Revolutionary*: Boston, 1983

Mansfield Katherine. *Something Childish and Other Stories*, Penguin Books, New York 1996

Smith Angela. *KATHERINE MANSFIELD & VIRGINIA WOOLF, A PUBLIC OF TWO* .CLARENDON PRESS, OXFORD 1999

Woolf Virginia. *A Room of One's Own*, Harcourt Brace & Company 1991

Woolf Virginia. *Monday or Tuesday*, Foreword by Scarlett Thomas Hesperus Press UK 2003

Woolf Virginia. *Three Guineas*, broadview encore edition, Library and Archive Canada Cataloguing in publication, 2012.

Woolf Virginia. *Women & Writing, Introduction by Michele Barrett*, Women Press, London 1979.